

## پرسش ۵۹: آیهی «انا انذرناکم عذاباً قریباً...»

السؤال / ۵۹: ما تفسیر قوله تعالى: (إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا) [45]؟

المرسل: ابراهیم رغیل

تفسیر این آیه چیست؟ « ما شما را از عذابی نزدیک می‌ترسانیم: روزی که آدمی هر چه را پیشاپیش فرستاده است می‌نگرد و کافر می‌گوید: ای کاش من خاک می‌بودم » [46].

فرستنده: ابراهیم رغیل

**الجواب:** بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

يد الإنسان تَبِيضٌ مع العدل وَتَسْوَدٌ مع الظلم في ملكوت السماوات، وهذا ما أظهره الله سبحانه وتعالى مع موسى (ع) في هذه الحياة الدنيا (وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ) [47]. (وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ آيَةٌ أُخْرَى) [48]. (وَأَدْخُلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتِ إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ) [49]. (اسْلُكْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ وَاضْمُمْ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَأِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ) [50]. والجناح والجيب ملاصق للصدر، وهو موضع اتصال روح الإنسان بجسده، أي: كأنه يخرج ما في روحه من عدل وقدس وطهارة للناس في يده ليريه حاله.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد و آل محمد الاثمة والمهدين وسلم تسليماً.

دست انسان در ملکوت آسمان‌ها با عدالت، سفید و با ظلم، سیاه می‌گردد و این همان چیزی است که خداوند سبحان و متعال در این عالم جسمانی دنیا با حضرت موسی (ع) ظاهر نمود: « و دستش را بیرون آورد، در نظر آنان که می‌دیدند سفید و درخشان بود » ([51]) ، « دست خویش در بغل کن، بی هیچ عیبی، سفید بیرون آید، این هم آیتی دیگر » ([52]) ، « دستت را در گریبان‌ت ببر تا بی هیچ آسیبی، سفید بیرون آید. با نه نشانه نزد فرعون و قومش برو که مردمی فاسق و عصیان‌گردد » ([53]) ، « دست خود در گریبان‌ت ببر تا بیرون آید سفید بی هیچ آسیبی، و تا از وحشت بیارامی دست خود در بغل کن. این دو از جانب پروردگارت حجت‌های تو برای فرعون و مهتران او است، که آنان مردمی نافرمانند » ([54]). « جناح » (بغل) و « جیب » (گریبان) چسبیده به سینه که محل اتصال روح انسان به بدن او است، می‌باشد؛ یعنی گویا آنچه از عدالت و قدسیت و پاکی است از روح خود خارج می‌کند تا وضعیتش را به آنها نشان دهد.

وَأَيُّمَ اللَّهِ قَرِيبَةً عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، وَبَعِيدَةً عِنْدَ الْكَافِرِينَ (إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيداً \* وَنَرَاهُ قَرِيباً) ([55])، ([56]). وَهِيَ يَوْمَ قِيَامِ الْقَائِمِ وَيَوْمَ الرَّجْعَةِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ الْكُبْرَى ([57])، وَعِنْدَهَا يَرَى الْإِنْسَانَ وَيَرَى النَّاسَ مَا فِي يَدِ كُلِّ إِنْسَانٍ مِنْ عَدْلٍ أَوْ ظَلَمٍ عِنْدَمَا تَتَكَشَّفُ الْحَقَائِقُ لَهُمْ ([58])، وَيُرُونَ مَا لَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهُ، عِنْدَهَا يَنْدُمُ الْمَبْطَلُونَ الظَّالِمُونَ، وَيَقُولُونَ: يَا لَيْتَنَا جِئْنَا بِالْوَلَايَةِ لَوْلِي اللَّهِ وَحَجَّتَهُ عَلَى خَلْقِهِ (... يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَاباً) ([59]). وَعَلِيَّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) هُوَ صَاحِبُ الْوَلَايَةِ الْكُبْرَى، وَهُوَ أَبُو تَرَابٍ ([60]).

ایام الله از دید خداوند و اولیای خداوند نزدیک، و از دید کافران دور می‌باشند: « ایشان آن روز را دور می‌بینند \* و ما نزدیکش می‌بینیم » ([61]) ، ([62]) و سه روز می‌باشند: روز قیام قائم، روز رجعت و روز قیامت کبری ([63]) و آن زمان انسان و مردم، هر کسی هر آنچه در چنجه‌اش دارد را می‌بینند؛ اینکه عادل بوده است و یا ظالم؛ آن هنگام که حقایق برایشان آشکار می‌گردد ([64]) و چیزهایی خواهند دید که هیچ‌گاه نمی‌دیدند. آن هنگام است که ظالمانِ اهل باطل پشیمان شده، می‌گویند: ای کاش

ولایت ولیّ الله و حجّت او بر خلقش را گردن می نهادیم « ای کاش خاک بودم....» [65]. حضرت علی (ع) همان دارندهی ولایت کبری و همان ابو تراب [66] است.



[45] - النبأ: 40.

[46] - نبأ: 40.

[47] - الأعراف: 108، و الشعراء: 33.

[48] - طه: 22.

[49] - النمل: 12.

[50] - القصص: 32.

[51] - اهراف: 108 ؛ شعرا: 33.

[52] - طه: 22.

[53] - نمل: 12.

[54] - قصص: 32.

[55] - المعارج: 7.

[56] - وجاء في الدعاء عنهم (ع): (... اللهم وسر نبيك محمداً (ص) برؤيته، ومن تبعه على دعوته، وارحم استكانتنا بعده، اللهم اكشف هذه الغمة عن الأمة بحضوره، وعجل لنا ظهوره، إنهم يرونه بعيداً ونراه قريباً، العجل العجل يا مولاي يا صاحب الزمان، برحمتك يا أرحم الراحمين ...) بحار الأنوار: ج 35 ص 96، وأغلب كتب الأدعية. (المعلق).

[57] - عن أبي جعفر (ع) يقول: (أيام الله ثلاثة يوم يقوم القائم ويوم الكرة ويوم القيامة) بحار الأنوار: ج 15 ص 50. (المعلق).

[58] - ولذلك ترى أن الله تعالى يوم القيامة الكبرى يُظهر الكافرين والمنافقين على حقيقتهم السوداء المظلمة فتكون وجوههم سوداء كالحة وإن كانت في الدنيا بيضاء ناعمة، ويظهر المؤمنون بالولاية بوجوه بيضاء نيرة، وإن كانوا في هذه الدنيا بوجوه مغبرة من العناء والبلاء والاستضعاف من قبل الظالمين، ففي عالم الملكوت كل يظهر على حقيقته وباطنه.

عن جعفر بن محمد (ع) قال: (يحشر يوم القيامة شيعة علي رواءً مرويين مبيضة وجوههم، ويحشر أعداء علي يوم القيامة وجوههم مسودة ظامئين) ثم قرأ: (يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ). بحار الأنوار: ج 7 ص 194.

وعن أبي جعفر (ع) قال: (إن رسول الله (ص) قال - وعنده نفر من أصحابه وفيهم علي بن أبي طالب (ع) - قال: إن الله تعالى إذا بعث الناس يوم القيامة يخرج قوم من قبورهم بياض وجوههم كبياض الثلج، عليهم ثياب بياضها كبياض اللبن، وعليهم نعال من ذهب، شراكها - والله - من نور يتلألؤ، فيؤتون بنوق من نور عليها رحال الذهب قد وشحت بالزبرجد

والیاقوت، آزماة نوقهم سلاسل الذهب، فیرکبونها حتی ینتهوا إلى الجنان، والناس یحاسبون ویغتمون ویهتمون وهم یأکلون ویشربون، فقال امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (ع): من هم یا رسول الله؟ قال: هم شیعتک وأنت إمامهم، وهو قول الله تعالی: (يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفِدًا) بحار الأنوار: ج 7 ص 194. (المعلق).

[59] - النبأ: من الآية 40.

[60] - عن عباية ابن ربعي، قال: قلت لعبدالله بن عباس: لم كنى رسول الله (ص) علياً (ع) أبا تراب؟ قال: لأنه صاحب الأرض وحجة الله على أهلها بعده وبه بقاؤها واليه سكونها، ولقد سمعت رسول الله (ص) يقول: إنه إذا كان يوم القيامة ورأى الكافر ما أعد الله تبارك وتعالى لشيعة علي من الثواب والزلفى والكرامة قال: يا ليتني كنت تراباً - يعني من شيعة علي - وذلك قول الله عزوجل: (وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا) علل الشرائع للشيخ الصدوق: ج 1 ص 156.

وعن أبي عبد الله (ع)، قال: (قوله تعالى: (يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا) يعني علويًا أتوالى أبا تراب) بحار الأنوار: ج 7 ص 194. (المعلق).

[61] - معارج: ج 6 و 7.

[62] - در دعا از اهل بیت (ع) آمده است: «خداوندا! پیامبر خود محمد (ص) را به دیدارش و هر کس که از ایشان در دعوتش تبعیت کرده است، شاد کن، و زندگی ما را بعد از ایشان مورد رحمت خود قرار بده. خداوندا! دشواریها و غمها را از این امت با حضور ایشان برطرف کن و ظهور او را برای ما تعجیل فرما که آنها آن را دور می بینند و ما نزدیکش می بینیم، به زودی و هر چه سریعتر، ای مولای من، ای صاحب الزمان، برحمتک یا ارحم الراحمین». بحار الانوار: ج 35 ص 96 و بیشتر کتابهای دعا.

[63] - از ابو جعفر (ع) روایت شده است که می فرماید: «ایام الله سه روز هستند: روز قیام قائم، روز رجعت و روز قیامت کبری». بحار الانوار: ج 15 ص 50.

[64] - از همین رو است که خداوند متعال در روز قیامت کبری منافقین و کافران را با حقیقت سیاه و تاریکشان ظاهر می کند و صورت هایشان سیاه و گرفته و عبوس می باشد هر چند که در این دنیا سفید و شادمان بوده باشند و مؤمنان به ولایت را با چهره های سفید و نورانی آشکار می سازد هر چند که در دنیا چهره های آنها از شدت ظلم و بیداد و استضعاف از سوی ظالمان، افسرده و نازیبا بوده باشد. در عالم ملکوت هر کسی با حقیقت و باطن خودش آشکار می گردد.

از جعفر بن محمد (ع) روایت شده است که فرمود: «شیعیان علی (ع) در روز قیامت با چهره های زیبا و لطیف و سفید در حالی که سیراب هستند، ظاهر و دشمنان علی (ع) با چهره هایی سیاه و زشت، و تشنه لب ظاهر می شوند. سپس این آیه را خواند:

«يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَ تَسْوَدُّ وُجُوهٌ» (روزی که چهره هایی سفید و چهره هایی سیاه می گردند)». بحار الانوار: ج 7 ص 194

از ابو جعفر (ع) روایت شده است که فرمود: «چند نفر از صحابه نزد رسول الله (ص) بودند و علی (ع) نیز در بین آنها بود. فرمود: خداوند متعال وقتی مردم را در روز قیامت مبعوث می کند، قومی از گورهایشان با چهره هایی سفید مثل برف و نورانی خارج می شوند، سفیدی لباس هایشان مثل شیر است و کفش های زرین به پا دارند و به خدا سوگند بندهای کفششان از شدت نورانی بودن می درخشد، سوار بر شترانی نورانی که بر آنها کرسی های طلا و زبرجد و یاقوت قرار دارد و افسارشان با زنجیر طلا بسته شده است، هستند تا وارد بهشت شوند. مردم در حال پس دادن حساب و کتاب هستند در حالی که آنها می خورند و می آشامند. علی بن ابی طالب (ع) پرسید: آنها چه کسانی هستند ای رسول خدا؟ رسول الله (ص) فرمود: آنان، شیعه های تو هستند و تو امام آنها می باشی. این سخن خداوند متعال است که «يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفِدًا» (روزی که پرهیزگاران را گروه گروه در حضور رحمن محشور کنیم)». بحار الانوار: ج 7 ص 194.

[65] - نبأ: قسمتی از آیه ی 40.

[66] - عبایة بن ربیع می گوید: از عبد الله بن عباس پرسیدم: چرا رسول خدا(ص) به علی(ع) لقب ابو تراب داد؟ گفت: «چون صاحب زمین و حجت خدا بر اهل آن بعد از رسول الله(ص) است. با او زمین باقی و ساکن می باشد. از رسول الله(ص) شنیدم که می فرمودند: وقتی روز قیامت بر پا شود و کافر بیند آنچه را برای شیعیان علی(ع) از ثوابها و حسنات و کرامتها فراهم می شود، می گوید: ای کاش من هم خاک بودم؛ یعنی از شیعیان علی(ع) بودم و این، همان سخن خداوند متعال است: «وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا»». علل الشرایع شیخ صدوق: ج 1 ص 156.

از امام صادق(ع) روایت شده است: «این سخن خداوند متعال: «يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا» یعنی علوی و موالی ابو تراب بودن». بحار الانوار: ج 7 ص 194.